

تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی - امنیتی ج.ا.ایران

ابومحمد عسگرخانی^۱ و محمدرضا حق‌شناس^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۶

تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۲۰

چکیده

راهبرد تسلیحاتی هر کشوری، پاسخی به تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. در برخی از مقاطع تاریخی، تهدیدهای ماهیتی فرابیرامونی پیدا می‌کند و کشورهایی که در معرض تهدیدهای منطقه‌ای قرار دارند، اغلب با چنین تهدیدهایی روبه‌رو می‌شوند. ج.ا.ایران در مناسبات و روابط سیاسی-امنیتی خود با کشورهای منطقه، همواره تلاش کرده است نظر مساعد، اعتماد و اطمینان خاطر آنان را نسبت به ج.ا.ایران جلب نماید، اما رخدادهای نظامی-امنیتی در چند دهه اخیر از جمله تهدیدهای منطقه‌ای بیرامون ج.ا.ایران می‌باشد. هدف این مقاله، بررسی راهبرد تسلیحاتی و امنیتی ایران و یافتن پاسخی مناسب به این مسئله است که با توجه به تهدیدهای منطقه‌ای بیرامون و فرصت‌های پیش‌رو، ایران برای ارتقای جایگاه و حفظ امنیت در سطوح منطقه‌ای و جهانی، در راهبرد تسلیحاتی و امنیتی خود چه نوع راهبردی را در پیش گرفته و خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: محیط امنیتی، راهبرد تسلیحاتی، ج.ا.ایران، بازدارندگی، آمریکا، خاورمیانه

۱. asgarkh@ut.ac.ir

۱. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

۲. haghshenas64@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

۱. کلیات

۱-۱. طرح مسئله

محیط پیرامونی، الزام‌ها و محدودیت‌هایی برای بازیگری هر واحد سیاسی پدید می‌آورد، بازیگران باید در مورد شناخت آنها اقدام نمایند تا به‌گونه بهینه‌ای منافع ملی خود را تأمین کنند. کشور ایران به دلیل واقع شدن در منطقه‌ی خاورمیانه با مخاطره‌ها، چالش‌ها و تحولاتی عمده در محیط امنیتی خود روبه‌روست. عدم شکل‌گیری نظام امنیتی فراگیر و پایدار و تداوم ناامنی و بی‌ثباتی در عرصه‌ی خاورمیانه با عوامل متعددی در ارتباط است که از آن جمله، موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و منابع عظیم نفت و گاز در آن (و در نتیجه، تقویت حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران)، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی، فرقه‌ای و تروریسم، دولت‌های ضعیف و شکننده و بی‌اعتمادی بازیگران منطقه‌ای به یکدیگر حائز اهمیت است که این عوامل، امنیت در محیط پیرامونی ج.ا. ایران را به معمای تبدیل کرده است و نبود راه‌حلی مناسب منجر به دخالت هر چه بیشتر کشورهای فرامنطقه‌ای و گسیختگی پیوندهای کارآمد میان کشورهای منطقه شده است؛ در حالی که تمامی کشورهای منطقه در نگرانی‌های امنیتی و تهدیدهای منطقه‌ای سهیم هستند، اما هر کشوری نگرانی و دغدغه‌های خاص خود را دارد.

سیاست تسلیحاتی و امنیتی هر کشور، واکنشی به تهدیدهای برخاسته از محیط امنیتی و هدف‌های اساسی آن کشور است. بر این اساس، هر دولتی محیط پیرامون امنیتی خود را در عرصه‌ی منطقه‌ای و جهانی تعریف نموده و تهدیدها را شناسایی می‌کند تا برای مقابله با آن، برنامه‌ریزی کند. بنابراین درک و برداشت درست و منطقی از محیط امنیتی و تهدیدهای منطقه‌ای، بیشترین تأثیر را بر سیاست و راهبرد تسلیحاتی هر دولت می‌گذارد. نویسندگان به دلایل زیر این موضوع را برای پژوهش انتخاب نموده‌اند:

(۱) روابط ایران با کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای پیرامون خود، همواره پُرفراز و نشیب بوده است. این وضعیت به‌عنوان یک مسئله مهم در راهبرد امنیتی و روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران اثرگذار بوده است.

(۲) نویسندگان به مسائل راهبردی منطقه به‌ویژه مسائل جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند بوده‌اند.

(۳) نیازمندی حوزه سیاست راهبردی - خارجی کشور به این چنین پژوهش‌هایی، علت دیگری جهت انتخاب این عنوان بوده است.

این مقاله، تحلیلی در مورد راهبرد تسلیحاتی ج.ا.ایران در مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای فراروی خود فراهم می‌آورد و تلاش می‌کند به پرسش‌های اساسی این تحقیق پاسخ دهد.

۱-۲. پرسش اصلی تحقیق

چه نوع راهبرد تسلیحاتی - امنیتی از سوی ج.ا.ایران، بهترین چشم‌انداز را برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای فراهم می‌آورد؟

۱-۳. فرضیه اصلی تحقیق

بر اساس پرسش اصلی پژوهش حاضر، بر خلاف راهبرد سلطه‌طلبانه که بر محور تهدیدهای صریح و پنهان و تحکیم و تثبیت برتری اقتصادی و نظامی دوستان و متحدان استوار است، ج.ا.ایران بر یک راهبرد تسلیحاتی تدافعی - تعاملی در برابر تهدیدهای منطقه‌ای تأکید می‌کند. از این‌رو، با توجه به پرسش اصلی، فرضیه این تحقیق به این شرح است که ج.ا.ایران بر موازنه‌سازی امنیتی توأم با تعامل و مشارکت برتر منطقه‌ای در راهبرد تسلیحاتی خود می‌نگرد و این چشم‌انداز بهتری را برای حفظ امنیت ملی و مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای پیرامون ایران فراهم می‌آورد.

۴-۱. روش گردآوری اطلاعات و نوع تحقیق

روش گردآوری داده‌ها جهت آزمون فرضیه، روشی کتابخانه‌ای است. نوع تحقیق نیز توصیفی - تحلیلی است.

۵-۱. سازماندهی تحقیق

این تحقیق مانند هر تحقیق پژوهشی دیگر دارای ساختاری به شکل مقدمه، متن و نتیجه‌گیری است. مقاله حاضر تلاش دارد مبتنی بر چارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک، به چشم‌انداز محیط امنیتی و تهدیدهای منطقه‌ای حاصل از این محیط در رابطه با ایران، پرداخته و با بینشی علمی - تحلیلی، راهبرد تسلیحاتی و امنیتی ج.ا. ایران را متناسب با تهدیدهای منطقه‌ای مورد واکاوی قرار دهد.

۲. چارچوب نظری

۱-۲. واقع‌گرایی نوکلاسیک

برخی از پژوهشگران، تحت تأثیر دیدگاه‌های والتز، اندیشه‌های واقع‌گرایی ساختاری را توسعه دادند و با پالایش واقع‌گرایی، باعث نوعی انشعاب در درون این چارچوب به شکل واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی گردیدند. این دو رشته تفکر در مورد مفروض‌های اصلی که در آن، تمایل دولت‌ها برای امنیت، از ساختار آشوب‌زده نظام بین‌الملل (و منطقه‌ای) نشئت می‌گیرد، توافق دارند. واقع‌گرایان تدافعی مانند استفان ون‌اورا، استفان والت، جک اسنایدر و والتز، بر این باورند که دولت‌ها از طریق حفظ موقعیت خویش در درون نظام به امنیت نائل می‌شوند، بنابراین آنها به دنبال دستیابی به میزان مناسبی از قدرت در توازن با سایر دولت‌ها می‌باشند. از طرفی، واقع‌گرایان تهاجمی مانند جان مرشایمر، معتقدند که امنیت به‌اندازه‌ای در یک نظام خودیار، مبهم و پیچیده است که دولت‌ها تا آنجا که امکان داشته باشد، به سوی کسب

قدرت بیشتر (توانایی مادی به‌ویژه نظامی) در حد یک قدرت جهانی و یا دست‌کم، قدرت منطقه‌ای سوق داده می‌شوند. این وضعیت سبب می‌گردد تا آنها به دنبال تعقیب سیاست‌های تجاوزگرایانه و توسعه‌طلبانه باشند. چنین سیاستی با هزینه‌ها به مراتب کمتر و فایده‌ای بیشتر از آنچه واقع‌گرایان تدافعی تصور می‌کنند، همراه است (قوم، ۱۳۸۹: ۳۱۱)، اما واقع‌گرایان تدافعی بر این نظرند که قدرت بیشتر می‌تواند به امنیت کمتر منجر شود، بنابراین دولت منطقی هنگامی که احساس امنیت نسبی در مقایسه با سایر قدرت‌های درون نظام منطقه‌ای و بین‌المللی نماید، دارای انگیزه کمی برای تعقیب قدرت اضافی است. بر عکس تصورات واقع‌گرایان تهاجمی، نظام بین‌الملل به دولت‌هایی که به دنبال حفظ وضع موجود هستند، بیش از آنهایی که در صدد سلطه می‌باشند، پاداش می‌دهد.

واقع‌گرایی تهاجمی مطرح می‌کند که توانمندی‌های نسبی (و توزیع قدرت) تا حد زیادی به نیات دولت‌ها شکل می‌دهند. هنگامی که دولتی قدرتمندتر می‌شود، می‌کوشد نفوذ خود را افزایش دهد و به حداکثر برساند و محیط بین‌المللی خود را واپایش (کنترل) نماید. بنابراین دولت‌ها در مواردی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آنها تصور کنند توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی را با هدف پیشینه‌سازی نفوذ، دنبال خواهند کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۱). در تشخیص مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده محیط بین‌المللی و سیاست‌های راهبردی، واقع‌گرایی تهاجمی بر اهمیت قطبی بودن نظام و همچنین بر نقش تغییرات در قدرت نسبی کشورها تأکید می‌ورزد. از منظر واقع‌گرایی تدافعی، همان‌گونه که والت یادآور شده، واقع‌گرایان نوکلاسیک، نقش قدرت نسبی دولت‌ها را در شکل‌دهی به رفتار سیاست راهبردی دولت‌ها انکار نمی‌کنند، ولی بر این اعتقادند که تأثیر قدرت نسبی در نوع رفتار دولت‌ها، پیچیده و غیرمستقیم است (Walt, 2002: 210). بنابراین واقع‌گرایان نوکلاسیک تدافعی مطرح می‌نمایند که توزیع کلی قدرت (در سطح منطقه‌ای و جهانی) در مقایسه با سطح و منبع تهدید از اهمیت کمتری برخوردار است. والت در نظریه خود با عنوان «موازنه تهدید» (که بر ادراک تهدید تأکید دارد)، مدعی است که

کشورها نسبت به تهدید واکنش نشان می‌دهند. سطح تهدید اعمال شده از سوی یک کشور مفروض نه تنها به قدرت کلی آن، بلکه به مجاورت جغرافیایی، قدرت و مقاصد تهاجمی‌اش بستگی دارد. استفان ون‌اورا^۱ چنین استدلال می‌کند که در توضیح علل جنگ‌ها، موازنه آفند - پدافند (معیاری که تعیین می‌کند جنگ، سخت یا آسان خواهد بود) ممکن است مهم‌تر از توزیع قدرت باشد. در مجموع واقع‌گرایی تهاجمی در معادله قدرت - امنیت، فقط بر روی کاهش احتمال شکست تمرکز یافته و کاهش احتمال جنگ را ناممکن می‌داند، در حالی که واقع‌گرایی تدافعی با وجود تمرکز بر گزینه کاهش احتمال شکست با اتخاذ راهبردهای دفاعی، تلاش دارد احتمال جنگ را کاهش دهد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۹۹). اگر مدیریت ناامنی و تهدیدها بر مبنای قدرت تهاجمی باشد، به معنای آن است که روابط بین کشورها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی کم‌وبیش با کشمکش و رقابت و مبتنی بر قدرت تلقی می‌شود و اگر مدیریت ناامنی بر مبنای قدرت تدافعی باشد، کاهش احتمال شکست در جنگ با افزایش قدرت بازدارندگی میسر است.

۲-۲. راهبرد تسلیحاتی

در ابتدا باید گفت که راهبرد کلان با سیاست خارجی تفاوت دارد. مبنای سیاست خارجی بر این استدلال استوار است که یک دولت باید برای همگرایی همه ابزارهای قدرت دولت (اقتصادی، سیاسی، نظامی، دیپلماتیک و غیره)، بهترین شیوه را در پیش گیرد تا منافع ملی خود را به دست آورد و از آن حمایت کند، ولی راهبرد کلان، توجه محدودتری دارد و به دنبال آن است که چگونه ابزار نظامی می‌تواند به بهترین وجه در حمایت از هدف‌های سیاست خارجی به کار برده شود. سیاست خارجی با همه هدف‌ها و ابزارهای دولت‌مداری سروکار دارد، در حالی که راهبرد کلان با همه هدف‌ها ولی با یک ابزار سروکار دارد (Art, 2009: 1). راهبرد تسلیحاتی و امنیتی اغلب کشورها

1. Stephen Van Evera

متناسب با تغییراتی که در نظام‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی رخ می‌دهد، مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد. دایره این تغییرات گاهی می‌تواند چنان وسیع باشد که موجب تحولی بنیادین در یک راهبرد نظامی شده و باعث شود تا آن راهبرد به طور کامل کنار نهاده شود و راهبرد جدیدی مبنای عمل قرار گیرد.

کالین گری در کتاب «سلاح، جنگ‌افروز نیست» می‌گوید که فرایند دستیابی به تسلیحات به شدت تحت تأثیر سه عنصر «احساس خطر»، «امکان یا عدم امکان دستیابی به برخی سامانه‌های تسلیحاتی» و «افکار عمومی» قرار دارد (گری، ۱۳۷۸: ۱۲۱). همچنین گلاسر در این زمینه تأکید دارد که «کشورها به این دلیل مبادرت به خرید تسلیحاتی می‌کنند که با تهدید و بحران روبه‌رو می‌شوند. هیچ‌گاه نمی‌توان بحران و تهدید را نادیده گرفت. بنابراین تدوین راهبرد تسلیحاتی، متناسب با نوع بحران‌ها شکل می‌گیرد. اگر در حوزه منطقه‌ای، ناپایداری و ناامنی وجود داشته باشد، این نوع ناامنی منجر به حداکثرسازی بحران برای کشورهای منطقه خواهد شد. در چنین شرایطی بین هرج و مرج، بحران، شکل‌بندی‌های نظامی و همچنین مسابقه تسلیحاتی کشورها ارتباط مستقیم وجود دارد» (Glaser, 1994: 6). بنابراین راهبرد امنیتی و تسلیحاتی هر کشور واکنشی به تهدیدهای برخاسته از محیط امنیتی و هدف‌های اساسی آن کشور است. بر این اساس، هر دولتی محیط امنیتی خود را در عرصه جهانی و منطقه‌ای تعریف نموده و تهدیدها را شناسایی می‌کند تا برای مقابله با آن برنامه‌ریزی کند. بنابراین درک صحیح از محیط امنیتی بیشترین تأثیر را بر سیاست امنیتی هر دولت می‌گذارد (کرمی، بهار ۱۳۸۰: ۴۷). زمانی که کشورها با تهدیدهای ساختاری و کارکردی روبه‌رو می‌شوند، انگاره‌های امنیتی در ادراک رهبران و مقام‌های عالی‌آنان تقویت می‌شود؛ زیرا آنان برای مقابله با تهدیدها نیازمند ابزارهای متنوعی خواهند بود. تهیه و به‌کارگیری این ابزارها با هزینه‌های عمده‌ای برای کشورها همراه می‌گردد.

در توصیف وضعیت تسلیحاتی و نظامی در میان کشورهای منطقه خلیج فارس نکته حائز اهمیت آن است که کشورهای منطقه، راهبرد نظامی خود را در رابطه مستقیم با مؤلفه امنیت درون‌ساختاری و ناامنی‌های برون‌منطقه‌ای پایه‌ریزی کرده‌اند و با توجه به این مطلب، حول محور حداکثرسازی امنیت ساختاری، اقدام به خرید فزاینده تسلیحات می‌نمایند که خود عامل تسری‌دهنده و اگرایی منطقه‌ای در میان کشورهای خلیج فارس محسوب می‌گردد.

این وضعیت، برخاسته از نگرش متفاوت کشورهای منطقه در تعریف امنیت و تهدید در ترتیبات امنیتی منطقه از یک‌سو و نفوذ بخش پیرامون و نظام تأثیرگذار ترویج‌دهنده و اگرایی منطقه‌ای از سوی دیگر است که نقش بارزی در اتخاذ الگوهای نظامی - تسلیحاتی در منطقه داشته است. در واقع رقابت‌های تسلیحاتی میان کشورهای منطقه را باید در چارچوب وضعیت نظامی منطقه و در قالب زاویه نگرش مقام‌های تصمیم‌گیرنده درونی این کشورها و نقش کشورهای فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا، «با هدف ایجاد توازن منطقه‌ای و ممانعت از شکل‌گیری قدرت‌های چالشگر منطقه‌ای»، مورد توجه قرار داد.

جدول ۱. هزینه‌های نظامی - تسلیحاتی کشورهای خلیج فارس (به میلیون دلار)

| سال | ۲۰۰۳ | ۲۰۰۴ | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۹ |
|---------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| بحرین | ۳۶۴ | ۱۹۹ | ۵۸۲ | ۵۱۸ | ۵۷۳ | ۵۷۵ | ۷۱۱ |
| کویت | ۳۸۷۳ | ۱۳۲۷ | ۴۷۲۵ | ۳۷۸۹ | ۳۹۸۶ | ۷۰۸۹ | ۶۷۸۳ |
| عمان | ۲۷۶۶ | ۲۸۷۷ | ۳۳۴۲ | ۳۵۵۰ | ۳۴۳۳ | ۴۸۶۱ | ۴۱۴۱ |
| قطر | ۲۱۰۳ | ۲۳۲۴ | ۲۴۲۲ | ۲۵۳۰ | ۱۱۵۹ | ۱۸۲۲ | - |
| عربستان | ۲۴۵۶۷ | ۲۱۳۵۶ | ۲۸۱۰۷ | ۳۲۰۷۳ | ۳۷۶۰۳ | ۳۹۷۶۶ | ۴۲۰۲۴ |
| امارات | ۳۰۹۸ | ۱۷۷۱ | ۲۹۳۲ | ۱۰۲۹۳ | ۱۰۷۱۵ | ۱۴۲۹۳ | ۱۵۷۷۹ |

Source: Cordesman (2010)

بر این اساس کشورهای حوزه خلیج فارس در چارچوب همکاری‌های دفاعی - امنیتی با آمریکا مبادرت به خرید میزان قابل توجهی تسلیحات نظامی نموده‌اند. در این راستا، ایالات متحده نیز با هدف موازنه‌سازی سطح قدرت منطقه‌ای و ارتقای توان بازدارندگی رژیم صهیونیستی در برابر تهدیدهای منطقه‌ای در راستای راهبرد امنیت منطقه‌ای در قالب الگوی تسلیحات ترجیحی، طیف متنوعی از تسلیحات نظامی را در اختیار این کشور قرار داده است. تشدید رقابت‌های تسلیحاتی و افزایش هزینه‌های نظامی در منطقه خلیج فارس به عنوان یکی از مؤلفه‌های پایه در این منطقه شناخته می‌شود؛ به گونه‌ای که کشورهای این منطقه درصد قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی خویش را صرف هزینه‌های نظامی نموده‌اند. جدول زیر این میزان درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای خلیج فارس از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۹ که صرف هزینه‌های نظامی شده است را به طور مقایسه‌ای نشان می‌دهد.

جدول ۲. مقایسه هزینه‌های نظامی کشورهای خلیج فارس به نسبت درصد تولید ناخالص داخلی (۲۰۰۸-۲۰۰۰)

| کشور | ۲۰۰۸ | ۲۰۰۷ | ۲۰۰۶ | ۲۰۰۵ | ۲۰۰۴ | ۲۰۰۳ | ۲۰۰۲ | ۲۰۰۱ | ۲۰۰۰ |
|---------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| بحرین | ۴ | ۴/۲ | ۴/۷ | ۴/۸ | ۴/۳ | ۳/۶ | ۳/۴ | ۳/۲ | ۳ |
| عراق | - | - | - | - | ۱/۹ | ۲/۶ | ۲/۷ | ۲/۹ | ۵/۴ |
| کویت | ۷/۲ | ۷/۷ | ۷/۴ | ۶/۵ | ۵/۸ | ۴/۳ | ۳/۶ | ۳/۸ | ۳/۲ |
| عمان | ۱۰/۸ | ۱۲/۵ | ۱۲/۴ | ۱۲/۲ | ۱۲/۱ | ۱۱/۸ | ۱۱ | ۱۰/۴ | ۷/۷ |
| قطر | - | - | ۴/۷ | ۴ | ۲/۹ | ۲/۵ | ۲/۲ | ۲/۵ | - |
| عربستان | ۱۰/۶ | ۱۱/۵ | ۹/۸ | ۸/۷ | ۸/۴ | ۸ | ۸/۳ | ۹/۲ | ۸/۲ |
| امارات | ۹/۴ | ۹/۸ | ۸/۶ | ۷/۹ | ۷/۴ | ۵/۶ | ۵/۹ | ۵/۹ | - |
| یمن | ۵ | ۶ | ۶/۱ | ۶/۱ | ۶/۳ | ۶ | ۶/۴ | ۶/۶ | ۶/۶ |
| جهان | ۲/۳ | ۲/۳ | ۲/۴ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۵ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۲/۴ |

Source: SIPRI Military Expenditure Database (2010)

در مجموع می‌توان گفت افزایش خودکفایی ج.ا.ایران در ساخت تجهیزات تدافعی نظامی به طور طبیعی حاصل تداوم حضور آمریکا در خلیج فارس و نظامی کردن حکومت‌های سلطنتی حاشیه خلیج فارس از سوی آمریکا و دیگر کشورهای فرامنطقه‌ای بوده است. در چنین شرایطی می‌توان نشانه‌هایی از دگرگونی در ساختار قدرت، روابط قدرت بازیگران، و محیط ژئوپلیتیکی امنیتی نظام جهانی از جمله محیط ژئوپلیتیکی خلیج فارس را شاهد بود.

در این ارتباط نظریه پردازانی مانند «کوهن» تلاش نمودند تا ژئوپلیتیک نظام جهانی را با تأکید بر «نوار شکننده» در خاورمیانه بر مبنای شاخص‌ها و نشانه‌های سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تحلیل قرار داده و سازماندهی نمایند (مقی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). کوهن بر این اعتقاد است که نوار شکننده خاورمیانه در بخش غربی «هلال بی‌ثباتی ژئواستراتژیکی» قرار گرفته است.

۳. محیط امنیتی پیرامون ایران

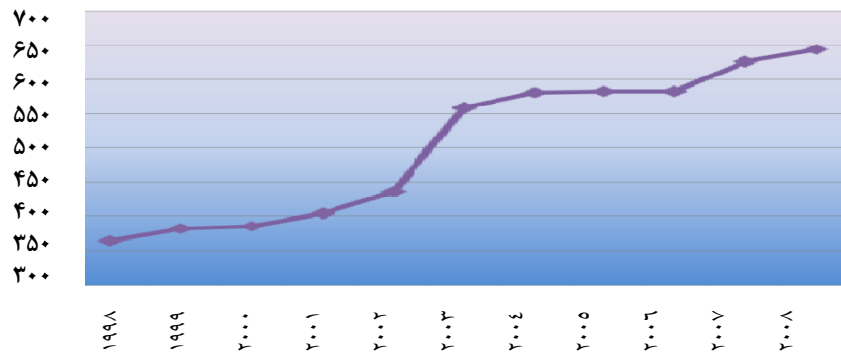
پس از دهه ۱۹۹۰، تغییراتی در محیط ژئوپلیتیکی رخ داد. بحران‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای، تضادهای ژئوپلیتیکی جدیدی را ایجاد می‌کند. بخشی از این بحران‌ها و جدال‌های منطقه‌ای ناشی از گسترش رقابت توسط قدرت‌های بزرگ و فرامنطقه‌ای است. بنابراین آنچه که به عنوان کمر بند (نوار) شکننده از سوی «کوهن» مطرح شده را می‌توان نمادی از دگرگونی‌های محیطی دانست و آنچه که به عنوان ژئوپلیتیک گسسته مطرح شده را کوهن در نظریه کمر بند شکننده ارائه کرده است (رشاد، ۱۳۸۸: ۸۱-۷۸). در این ارتباط، کشورهای خاورمیانه و خلیج فارس در مرکزیت کمر بند شکننده قرار گرفته‌اند. از این‌رو، به هر میزان که قدرت‌های بزرگ از توان تسلیحاتی و انگیزه مداخله‌گرایی بیشتری در این کمر بند شکننده و به نوعی ژئوپلیتیک گسسته برخوردار شوند، موقعیت آنان با چالش‌های متنوع‌تری نیز خدشه‌دار می‌شود. از این‌رو، یکی از

الزام‌های آمادگی حداکثری برای مقابله با تهدیدهای امنیتی احتمالی منطقه‌ای، رصد آرایش نظامی بازیگرانی است که دارای اصطکاک‌های سیاسی - امنیتی با جمهوری اسلامی ایران هستند.

بررسی بودجه دفاعی آمریکا مبین این واقعیت است که مخارج نظامی و تسلیحاتی آمریکا در دو دهه گذشته با شیبی صعودی، افزایش یافته که بخش قابل توجهی از آن، صرف گسترش یا نگهداری مراکز نظامی آمریکا در خارج کشور و ماورای بحار شده است. کنگره آمریکا همچنین برای بودجه دفاعی سال مالی ۲۰۱۱، مبلغ ۷۰۸ میلیارد دلار را اختصاص داده که بیشترین بودجه نظامی پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود (www.comptroller.defence.gov).^۱ روند صعودی افزایش مخارج نظامی آمریکا بین سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۸ را می‌توان به شکل نمودار زیر نشان داد:

نمودار ۱. روند صعودی افزایش مخارج نظامی - تسلیحاتی آمریکا (www.cdi.org)

(ارقام برحسب میلیارد دلار)



افزون بر افزایش هزینه‌ها و مخارج نظامی، آمریکا دارای پایگاه‌های نظامی قابل توجهی در منطقه است. نقش بی‌بدیل این پایگاه‌ها را می‌توان در جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و حمله به افغانستان و عراق در سال ۲۰۰۳ مشاهده نمود.

۱. برای اطلاع بیشتر به گزارش تفریح بودجه پنتاگون برای سال مالی ۲۰۱۲ رجوع شود:

Fiscal Year 2012 Budget Request, United States Department of Defence, <http://comptroller.defence.gov>

شکل ۱. حلقه‌های منظومه امنیتی جمهوری اسلامی ایران



روند تقابلی و تهاجمی آمریکا علیه ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران حول محور محدودسازی ساختاری به اشکال گوناگون و با هدف جلوگیری از افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران از طریق متهم‌سازی ایران به عنوان منبع اصلی گسترش بنیادگرایی و تهدید مستقیم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، همواره مخاطره‌های امنیتی کشورمان را افزایش و مطلوبیت‌های منطقه‌ای آن را کاهش داده است.

دورنمای فعالیت ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا به طور مستقیم می‌تواند عمق تحرک جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس را کاهش یا افزایش دهد. این ناوگان وظیفه انجام مأموریت‌های دریایی در چتر جغرافیای نظامی فرماندهی مرکزی آمریکا با وسعتی در حدود ۷/۵ میلیون مایل مربع را بر عهده دارد و یکی از بخش‌های مهم «فرماندهی مرکزی نیروهای دریایی آمریکا»^۱ می‌باشد (Bahrain Facilities, www.globalsecurity.org). فرماندهی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا، خلیج فارس، دریای عمان، دریای سرخ، سواحل شرقی آفریقا تا جنوب کنیا و بخش‌هایی از اقیانوس هند را پوشش عملیاتی می‌دهد که در آن، مناطق راهبردی همچون تنگه‌های هرمز و باب‌المندب، خلیج عدن و کانال سوئز قرار دارد (Weitz, 2011). به همین دلیل هرگونه مؤلفه‌ای که مقدمات بازنگری واشنگتن

1. United States Naval Forces Central Command (USNAVCENT)

در موقعیت جغرافیایی نظامی این پایگاه را به وجود آورد، به طور یقین بر سطح و بُرد قدرت نظامی آمریکا در خاورمیانه تأثیرگذار است. ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا دایره عملیاتی خود را بر کشورهای زیر تعریف کرده است:

جدول ۳. کشورهای واقع در جتر پوششی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا

| | | | | |
|-----------|-----------|-----------|----------|----------|
| ایران | افغانستان | پاکستان | عراق | سوریه |
| لبنان | بحرین | عربستان | قطر | عمان |
| یمن | امارات | اردن | مصر | ازبکستان |
| قرقیزستان | ترکمنستان | تاجیکستان | قزاقستان | |

ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا نقش مهمی را در «عملیات رهگیری دریایی»^۱ آمریکا برای اجرای تحریم‌های عراق در دوره صدام حسین ایفا کرد که این مأموریت می‌تواند در مورد اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران نیز به کار رود (Fifth Fleet, www.globalsecurity.org)؛ به گونه‌ای که در چند سال اخیر «واحد اعزامی نیروی دریایی آمریکا»^۲ تحرکات خاصی را برای روزآمدسازی این مرکز انجام داده است. نیروی هوایی و دریایی آمریکا برای استقرار ناوگان‌های هواپیما، همکاری‌های نزدیکی را با یکدیگر دارند که از مصادیق آن می‌توان به استقرار «کشتی‌های جاگیر و موقعیت‌یاب دریایی»^۳ در سواحل بحرین اشاره کرد. اهمیت این موضوع به‌ویژه پس از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت مورخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰ بیشتر شده است؛ زیرا در این قطعنامه به کشورها اجازه داده شده است، محموله‌های دریایی ایران را که مواد و قطعات مورد تحریم در قطعنامه‌های شورای امنیت را حمل می‌کنند، بازرسی، توقیف یا حتی در صورت لزوم منهدم کنند.

1. Maritime Interception Operation
2. Marine Expeditionary Force
3. Maritime Prepositioning Ships (MPS)

۴. راهبرد تسلیحاتی ج.ا. ایران

همان گونه که مطرح شد بحران‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای، تضادهای ژئوپلیتیکی جدیدی را موجب گردیده‌اند که به واسطه آنها نوعی ژئوپلیتیک گسسته و یا طبق نظریه «کوهن»، کمربند شکننده شکل گرفته است که کشورهای خاورمیانه در مرکزیت کمربند شکننده قرار دارند. خاورمیانه و به ویژه منطقه خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر، در حال گذار به نظم جدید سیاسی و امنیتی است که در آن، هر یک از بازیگران مهم منطقه‌ای در تلاش برای تثبیت نقش و جایگاه سیاسی - امنیتی و اقتصادی خود می‌باشد. هر میزان آمریکا موفق شود به صورت توأمان تصاویری مجازی از قدرت و تهدید ایران را منعکس کند، به همان میزان، سرعت فروش تجهیزات نظامی آمریکا به کشورهای پیرامون ایران در منطقه افزایش خواهد یافت. رهایی از این وضعیت، مستلزم آن است که ایران خط‌مشی و راهبردهایی را برای تثبیت نقش و امنیت خود در منطقه و کاهش آسیب‌پذیری و تهدیدهای خویش در دستورکار قرار دهد. پس سیاست تسلیحاتی می‌تواند نماد رقابت، جدال و یا تعارض بین کشورها باشد. این پژوهش علت اصلی ارتقای ظرفیت تسلیحاتی ایران را تهدیدهای منطقه‌ای و فشارهای بین‌المللی متصور می‌داند. افزایش قابلیت‌های تسلیحاتی ایران به گونه‌ای است که آمریکا نمی‌تواند این کشور را در معادله‌های امنیت منطقه‌ای نادیده بگیرد یا به آن بی‌اعتنا باشد. کاخ سفید دارای متحدانی می‌باشد که امنیت آنان برای آمریکا از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین آمریکا در تلاش است تا موقعیت دفاعی و راهبردی ایران را از راه‌های مختلف واپایش (کنترل) نماید. به عبارتی، آمریکا قابلیت‌های دفاعی ایران را برای خود مطلوب تلقی نکرده و تلاش دارد تا این گونه توانمندی‌ها را از طریق نهادهای بین‌المللی و همراهی دیگر کشورها و اعمال محدودیت‌های راهبردی و تحریم‌های بین‌المللی به کمترین حد ممکن برساند.

هدف‌های سیاست خارجی و راهبرد تسلیحاتی ایران اغلب مبتنی بر دو هدف عمده «ایجاد امنیت (ملی و منطقه‌ای)» و «توسعه و پیشرفت» بوده است. از سوی دیگر تنظیم سیاست خارجی و راهبرد منطقه‌ای ایران در منطقه همواره تحت تأثیر دو عامل «واقعیت‌های ژئوپلیتیک» و «جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک» بوده است. این دو عامل در اجرای راهبرد خارجی ایران در قالب دو رویکرد عمل‌گرایانه و ایدئولوژیک ظاهر شده و همواره تلاش کرده‌اند تا یکدیگر را به نوعی متعادل کنند (برزگر، ۱۳۸۶: ۷۰). در سال‌های گذشته هر چند درجه تأثیرگذاری این دو عنصر با توجه به درجه تهدید و نوع چالش‌ها در زمان و مکان‌های مختلف متفاوت بوده است، اما عنصر ژئوپلیتیک همواره عنصر ایدئولوژیک را در جهت‌دهی سیاست امنیتی و تسلیحاتی ایران در منطقه، تحت تأثیر قرار داده است. جدال‌های ایران و آمریکا نیز با هزینه‌های متنوعی در حوزه منافع ملی و مزیت‌های ژئوپلیتیکی همراه بوده است.

در دهه ۱۹۹۰ ایران قادر گردید بخشی از نیازهای تسلیحاتی خود را در داخل تولید نماید. ردیف‌های بودجه نظامی ایران به منظور خرید و انعقاد توافقنامه‌های جدید تسلیحاتی، حول محور کشورهای شرقی مانند روسیه، اروپای شرقی و چین می‌چرخد. با توجه به تعارض‌های غرب با ایران باید موضوع بازسازی نظامی و تسلیحاتی ایران را به عنوان یکی از اصلی‌ترین جلوه‌های مناظره و تعارض‌های چندجانبه تلقی کرد.

تجربه ایران در پی تحریم تسلیحاتی و تداوم تلاش‌های آمریکا برای منزوی کردن آن، باعث خوداتکایی کشورمان در صنایع نظامی و رفع نیازهای ضروری شد. از این‌رو، خودکفایی و افزایش تجهیزات نظامی ایران متناسب با مقاصد دفاعی و نه تهاجمی تنظیم شده است. نیروی دریایی ج.ا.ایران متشکل از ناوهایی با قدرت متنوع و زیردریایی است که توانشان معطوف به جلوگیری از اعمال قدرت و واپایش (کنترل) یک نیروی خارجی در خلیج فارس است. همچنین ایران به تولید و خریدهای تسلیحاتی در رابطه با تقویت توان پدافند هوایی در طول خط ساحلی خلیج فارس

اهمیت داده و توانمندی سلاح‌های متعارف خود را در جهت تأمین امنیت خطوط کشتیرانی در خلیج فارس ارتقا داده است (کوردزمن، ۱۳۸۲: ۹۶). نوسازی نیروی دریایی اولویت دیگر سیاست دفاعی ایران است. ناوگان خلیج فارس ایران می‌تواند نقش مؤثری در دفاع از تنگه هرمز بازی کند. نیروی دریایی ایران، سالانه، تمرین‌ها و رزمایش‌هایی دریایی در خلیج فارس انجام می‌دهد (جلالی، ۱۳۸۲: ۱۶۶). از سوی آمریکا رزمایش‌های نظامی و موشکی به‌ویژه آزمایش موشک‌های میان‌برد و دوربرد و حتی ماهواره‌ای ایران را با برنامه‌های ایران در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای پیوند زده و این نتیجه مغرضانه را می‌گیرد که ایران در تلاش است ایالات متحده و متحدانش را مورد تهدید قرار دهد. بر همین اساس، آمریکا و رژیم صهیونیستی و دیگر متحدانش، قراردادهای مختلف همکاری‌های مشترک راهبردی دفاعی و قراردادهای هسته‌ای و ضدبالستیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امضا کرده‌اند.

از سوی دیگر، شورای امنیت با محوریت آمریکا در قطعنامه‌های تحریم، فعالیت‌های موشکی را به ناحق به‌عنوان ابزار وسیله پرتاب سلاح هسته‌ای معرفی نموده است. یکی از بدعت‌های قطعنامه ۱۹۲۹ این است که ایران نباید هیچ‌گونه اقدامی در مورد موشک‌های بالستیک انجام دهد و همه دولت‌ها باید تمامی اقدام‌های مقتضی را برای جلوگیری از انتقال فناوری یا کمک فنی به ایران در این رابطه به عمل آورند (www.un.org). به عبارتی بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹، نخستین منبع حقوقی برای منع اقدام ایران در تولید و توسعه موشک و فناوری موشکی است. تاکنون شورا چنین محدودیتی را بر ایران تحمیل نکرده بود. به نظر می‌رسد که سابقه این نوع تصمیم‌ها را باید در قطعنامه ۶۸۷ مورخ ۳ آوریل ۱۹۹۱ در مورد عراق جست‌وجو کرد. در بند ۱۰ قطعنامه یاد شده،

شورا تصمیم گرفت که «عراق باید بدون قید و شرط، عدم استفاده، تولید، توسعه، ساخت، اکتساب موشک‌های بالستیک را تقبل نماید» (ساعد، ۱۳۸۴: ۸۰-۷۶).^۱

روی آوردن به تحریم به عنوان مجرای برای ضربه زدن به فعالیت‌های دفاعی کشورهای مخالف، اهرمی است که آمریکا در مورد برخی از کشورهای دیگر نیز به کار گرفته است. برای نمونه در تحریم‌های عراق نیز تحریم تسلیحات متعارف و موشک‌های با برد کوتاه نیز گنجانده شده بود. در واقع آمریکا از این راه در تلاش است تا مانع افزایش قدرت دفاعی و ضریب بازدارندگی آن کشورها شود.

گراهام فولر، محقق ارشد «مؤسسه رند» در مورد بزرگ‌نمایی تهدید ج.ا.ایران از سوی غربی‌ها و خریدهای تسلیحاتی آن می‌گوید: در صورتی که ایران نیز در زمره دوستان کنونی ما در آید، حتی خواهیم گفت بهتر است مسلح شوید، چون ضعیف هستید و در صورت بروز مشکلات در منطقه، نخواهید توانست از خود به دفاع برخیزید. این امر ما را وادار خواهد ساخت که به تقویت بسیاری از توانایی‌های ایران پردازیم، ولی آن کشور در زمره دوستان ما نیست و در شمار دشمنان ماست. پس فکر می‌کنیم هر حرکتی که در جهت تقویت خود انجام دهد، از نظر ما حرکتی خصمانه تلقی می‌شود (رستمی، ۱۳۸۲: ۱۸۹-۱۸۸). او معتقد است که در صورت دستیابی ایران به برخی سلاح‌ها، آن را در اختیار جنبش‌های حزب‌ا... لبنان، حماس، جهاد اسلامی قرار خواهد داد؛ چرا که از منظر متحدان راهبردی،

۱. البته عبارت‌پردازی قطعنامه ۱۹۲۹ برای ایران بسیار منعطف‌تر از قطعنامه ۶۸۷ و فاقد ادبیات و مفاهیم حقوقی قوام یافته است. با مقایسه دو بند از دو قطعنامه یاد شده و قید «هیچ گونه اقدام» در قطعنامه ۱۹۲۹ به نظر می‌رسد که شورا نه تنها اکتساب- موشک‌های بالستیک بلکه تولید، توسعه و کاربرد آنها را نیز هدف قرار داده است بدون اینکه هیچ گونه تفکیکی میان کاربردهای دفاعی و تهاجمی برقرار سازد. افزون بر فناوری موشکی، قدرت تولید، توسعه، اکتساب و حتی صادرات تسلیحات متعارف را که به مصارف دفاعی و بازدارنده عمومی کشور در برابر تهدیدهای خارجی مربوط می‌شود نیز در این پرونده وارد نموده است، در حالی که هیچ گونه ارتباطی بین آنها و برنامه هسته‌ای وجود نداشته و ندارد.

چند بمب هسته‌ای دولت‌های متخاصم بسیار خطرناک‌تر از انبوهی از بمب‌های هسته‌ای دولت‌های دوست است (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۵۱).

در گزارش برآورد تهدید سال ۲۰۰۶ به کارگروه نیروهای مسلح سنای آمریکا، جان نگر و پونته، رئیس سیا نیز ایران را به عنوان تهدیدی جدی برای آمریکا و همپیمانانش معرفی کرده و به طور مغرضانه، برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و زرادخانه موشک‌های بالستیک ایران را در خاورمیانه منحصر به فرد توصیف کرد (لطفیان، ۱۳۸۶: ۳۳). در مجموع قطعنامه‌های تصویب شده شورای امنیت علیه ایران، افزون بر مباحث و موضوع‌های هسته‌ای، به توانمندی موشکی ایران نیز اشاره داشته‌اند. در مورد برنامه موشکی ایران، مسائل متفاوتی وجود دارند. برنامه موشکی، جزو مهم خط‌مشی امنیتی ایران تلقی می‌شود. ایران به مناسبت‌های مختلف این موشک‌ها را به نمایش گذاشته است (ایزدی، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۶). با این حال، رهنامه (دکترین) دفاعی کشورمان متکی بر دفاع غیرتهاجمی است. به عبارتی از موشک‌های کشور که از نظر فنی تهاجمی هستند، تنها در مواقعی که احتمال تهدید علیه امنیت و تمامیت ارضی کشور وجود داشته باشد، در راستای دفاع از کشور استفاده خواهد شد. به بیان دیگر، کاربردهای فنی موشک‌های تهاجمی به صورت دفاعی به فعلیت در خواهد آمد (ساعد، ۱۳۸۵: ۷-۸).

کارشناسان مسائل نظامی منطقه بر این اعتقادند که نیروی موشکی در حال توسعه کشورهای خاورمیانه، در حال تغییر دادن موازنه نظامی و امنیتی این منطقه‌اند. این امر تغییر بزرگی در نحوه تفکر نظامی ایجاد کرده و بُعد راهبردی جدیدی به ادراک مربوط به تهدید و موازنه‌های ژئوپلیتیک این منطقه بخشیده است. بنابراین برای کشورهایی که از نظر محیط منطقه‌ای یا ایدئولوژیک یا راهبردی، دشمنان متعددی داشته و در معرض تهدیدهای منطقه‌ای قرار دارند، ضرورت تدوین و پیگیری اقدام‌های منظم و برنامه‌ریزی شده پدافندی بیشتر خواهد بود. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب دیپلماسی دفاعی خود، سیاست نگاه به شرق را اتخاذ کرده که مهم‌ترین هدف

آن، موازنه‌سازی در برابر غرب است. یکی از بهترین راه‌های مقابله با آمریکا، «ایجاد اتحاد با کشورهای آسیایی است. تلاش ایران برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای و بهره‌برداری از ظرفیت آن برای مقابله با سیطره‌طلبی آمریکا و در نتیجه، تأمین امنیت و منافع ملی ایران، در این راستا قابل تحلیل است (حاجی‌یوسفی و سادات‌الوند، ۱۳۸۷: ۱۸۴). از سوی دیگر به لحاظ منطقه‌ای، مشروعیت انقلاب اسلامی و حضور ج.ا.ایران در منطقه خاورمیانه به این مفهوم است که اسلام و ضرورت‌های ایدئولوژیک همچنان نقشی اساسی را در تدوین راهبرد امنیتی ایران بازی می‌کند. همچنین ایران زمینه‌های همراهی ایدئولوژیک با سازمان‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حماس و کشور سوریه را در منطقه دارد. باید یادآور شد کشورهایی که از رویکردهای ایدئولوژیک برخوردارند، تلاش دارند تا موقعیت خود را ارتقا داده و از سوی دیگر فعال‌سازی قدرت خود را براساس ضرورت‌های معطوف به حفظ اصول و آرمان انقلاب تنظیم نمایند. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران با نشانه‌هایی از خودکفایی و بازگشت به درون پیوند خورده است، طبیعی به نظر می‌رسد که با جهت‌گیری‌های معطوف به الگوهای رفتار برتری‌جویانه قدرت‌های بزرگ، همخوانی و هماهنگی ننماید. بنابراین ایدئولوژی نظام سیاسی عاملی تأثیرگذار بر ذهنیت و رویکرد راهبردهای ایرانی برای طراحی ساختار دفاعی است.

۵. راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران

نگرش‌های متفاوت کشورهای منطقه به «امنیت خلیج فارس» زمینه‌های ناامنی را در منطقه گسترش داده است. این ناامنی پایه‌های درک اشتباهی را پدیدار ساخته است و به دلیل وجود زمینه ناامنی احتمالی حتی در برقراری نظم منطقه‌ای، بر فرض اینکه بیشتر کشورها غیرمتجاوز بوده و از زندگی خود راضی باشند، باز هم کشورها به سمت دفاع شخصی و خودیاری با هزینه‌های بالا، کشیده می‌شوند. در هر حال، توانایی دفاع یک کشور در بیشتر زمان‌ها به توانایی در برابر تهاجم باز می‌گردد (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۳۴-۱۲۷).

ج.ا.ایران از جمله کشورهایی است که در معرض تهدیدهای مختلف می‌باشد. ایران و هر کشور دیگری با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی و فراپیرامونی خود، سطحی از اقدام‌های پدافندی در قبال تهدیدهای دشمنان را به‌عنوان یک ضرورت و الزام اجتناب‌ناپذیر در دستورکار قرار می‌دهد. اقدام این کشورها از جمله ایران به منزله فعالیت قانونی و مشروع تلقی می‌گردد. همچنین مقام‌های کشورمان بارها بر سیاست خاورمیانه‌عاری از سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کرده‌اند. این در حالی است که رژیم صهیونیستی از دارندگان عمده این سلاح‌های کشتار جمعی در ژئوپلیتیک گسسته خاورمیانه است.

۶. واپایش (کنترل) تسلیحات و بازدارندگی

یکی از روش‌های تقویت صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای، خلع سلاح و واپایش (کنترل) تسلیحات می‌باشد. روش خلع سلاح به دلیل ماهیت نظام بین‌الملل چندان موفق نبوده و به احتمال فراوان، در آینده نیز چندان موفقیت‌آمیز نخواهد بود، ولی واپایش (کنترل) تسلیحات، مصداقی از نتایج تفکر امنیتی در سطح بین‌المللی است که نظریه بازدارندگی هم منتج از همین تفکر امنیتی در سطح بین‌المللی و به نوعی منطقه‌ای است. بنابراین خلع سلاح و واپایش (کنترل) تسلیحات، منتج از دو گونه منشأ و منبع متفاوت فکری است. جان اسپایز و جوزف نوژی در کتاب «سیاست‌های خلع سلاح» (۱۹۶۲) تفاوت‌های میان واپایش (کنترل) تسلیحات و خلع سلاح را به خوبی مورد تعریف قرار می‌دهند. از دیدگاه آنان «در حالی که خلع سلاح به معنای امحای کامل یا کاهش تدریجی منابع انسانی و مادی جنگ است، واپایش (کنترل) تسلیحات با ایجاد موانع و محدودیت‌ها بر سر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای سروکار دارد (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۵۶-۲۵۵). برای طرفداران نظریه واپایش (کنترل) تسلیحات، محدود کردن سلاح و جنگ‌افزارها در صورت مدیریت و واپایش (کنترل)، می‌تواند عاملی برای ثبات و امنیت باشد.

اساس بازدارندگی بر مبنای تهدید به مجازات و یا ممانعت قرار دارد. هر دو گونه بازدارندگی می‌توانند هم‌زمان نیز به کار روند. بازدارندگی براساس ممانعت می‌تواند با تهدید به مجازات همراه شود. تفاوت میان بازدارندگی براساس مجازات و بازدارندگی براساس تهدید، اغلب در قالب تهدید ارزش‌های یک دولت از طریق نظامی است (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۲۵). سیاست‌های بازدارندگی، قابلیت و توانایی مخالفان برای اقدام نظامی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ زیرا برای آنکه نیروی بازدارنده، کارساز شود، دشمن باید به دو چیز باور داشته باشد: یکی اینکه طرف او توانایی انجام اقدام تلافی‌جویانه تحمل‌ناپذیر را دارد، و دیگر آنکه از اراده دست زدن به چنین کاری برخوردار است. از سویی ممکن است بازدارندگی هسته‌ای کلی یا آنی^۱ و نیز حداقلی^۲ باشد. بازدارندگی کلی یا آنی، سیاستی است که تمام دارندگان سلاح‌های هسته‌ای در آرزوی به دست آوردن آن هستند، ولی در عمل تنها عده‌ای توان آن را دارند. بین رهنامه‌های (دکترین‌های) بازدارندگی ابرقدرت‌ها و قدرت‌های کوچک باید تفاوت قائل شد. بازدارندگی حداقلی، مستلزم داشتن توان وارد کردن ضربه دوم است تا حدی که بتواند دشمن را از آغاز حمله هسته‌ای بازدارد؛ خواه آن حمله از سوی یک ابرقدرت باشد و یا از ناحیه قدرت‌های بزرگ (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۱۰۶-۱۰۵).

۱-۶. بازدارندگی در جهت‌گیری راهبردی - امنیتی ایران

اندیشه در مورد نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای از اولویت سیاست‌گذاری امنیتی و دفاعی ایران می‌باشد، اما تهدیدهای متوجه ایران افزون بر بُعد منطقه‌ای، ابعادی فراتر از منطقه نیز دارد که به سیاست‌گذاران ایرانی آموخته که در رهنامه (دکترین) دفاعی خود، هم منطقه‌ای و هم جهانی بیندیشند. رویه دولت‌ها و دیگر بازیگران در جامعه بین‌المللی به‌خوبی مؤید این است که اتخاذ این گونه اقدام‌های پدافندی در برابر تهدیدها، حق

1. General or Immediate
2. Minimum

مسلم ایران بوده است. در سند چشم‌انداز بیست ساله و قانون برنامه چهارم توسعه و در سر فصل «امور سیاسی، دفاعی و امنیتی» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ارتقای توانمندی‌های دفاعی و قدرت بازدارندگی و توسعه متکی بر بازدارندگی از یک‌سو و قدرت عمل در واکنش قاطع به منظور تأمین اطمینان‌بخش امنیت ملی توسط نیروهای مسلح و وزارت دفاع در دستورکار قرار گرفته است (ایزدی، ۱۳۸۰: ۸۷-۸۶).

حضور گسترده آمریکا در منطقه و محیط تهدیدزای پیرامون جمهوری اسلامی ایران (اغلب به‌واسطه تحریک‌های آمریکا) و اعمال تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه در زمینه تسلیحات و فناوری‌های سطح بالا و پیشرفته و همچنین بر اساس اصل «دفاع از خود» که با ادبیات نظریه نوکلاسیک تدافعی و منطق روابط بین‌الملل سازگاری دارد، سبب گردیده تا ایران ضمن اندیشیدن به خودبسندگی در زمینه تسلیحات متعارف، حمله به نقاط ضعف دشمن بر مبنای مقدورات متعارف (مبتنی بر نبرد ناهمگون) را در سیاست دفاعی خود قرار دهد، تا از این طریق بتواند به دشمنان بالقوه و بالفعل به‌باوراند که تهاجم علیه ایران هزینه‌های زیادی برای آنان به بار خواهد آورد.

از زمانی که نیروهای آمریکا در عراق، افغانستان و سایر پایگاه‌های منطقه‌ای مستقر شدند، اولویت‌های دفاعی ایران برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای افزایش یافت. برای مقابله با تهدیدهای امنیتی در شرایط معطوف به محدودیت و تحریم، لازم است ایران از الگوهای بهره‌مند شود که حداکثر مطلوبیت راهبردی را ایجاد نمایند. بنابراین گسترش ساختار دفاعی ایران بیش از آنکه ماهیت تهاجمی داشته باشد در قالب راهبردی بازدارنده و دفاعی سازماندهی شده است. همچنان که بر اساس رویکرد واقع‌گرایی نوکلاسیک هیچ کنشگری هر چند واقع‌گرا باشد، مبنای رفتار خویش را قدرت دیگر بازیگران قرار نمی‌دهد، مگر اینکه در این ملاحظه‌ها بقای خویش و دیگر منافع خود را نیز مورد توجه قرار دهد.

۲-۶. تحقق بخشی بازدارندگی در راهبرد تسلیحاتی ایران

تسلیحات ایران دارای ماهیت بازدارنده است. بسیاری از این گونه تجهیزات و تسلیحات دفاعی می‌تواند قابلیت‌های تهاجمی کشورهای بین‌المللی به ویژه آمریکا را خنثی سازد. امروزه امنیت ایران مبتنی بر راهبردی تدافعی است. باید به یاد داشت که هدف از اقدام‌ها و راهبردهای تدافعی - جز در موارد نادری - تنها دفاع در برابر حمله‌های دشمن نیست، بلکه هدف از آن، ایجاد و تقویت این تصور است که هر گونه حمله دشمن با پاسخی دندان‌شکن مواجه خواهد شد.

به دلیل تلاقی نظام بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده آمریکا با منافع ج.ا.ایران، کشورمان نیز برای جلوگیری از تحقق رفتارهای نامطلوب برخی از واحدها از جمله آمریکا تلاش نموده است. به عبارتی بخش عمده‌ای از تلاش‌های راهبردی ایران معطوف به شکل دادن به نظام بازدارندگی در برابر آمریکا بوده است. با توجه به معادله دفاع - تهاجم ایران، بر مبنای نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، ساخت کلی نظام بازدارندگی ج.ا.ایران از نوع معادله دفاعی است. در این راستا و بر پایه الزام‌های نظری، سه نوع بازدارندگی دفاعی «بازدارندگی متعارف دفاعی یا خوداتکایی»، «بازدارندگی شبکه‌ای یا بازدارندگی مقاومت» و «بازدارندگی غیرمستقیم و یا مستقل» مطرح است.

در حوزه بازدارندگی متعارف دفاعی، ایران به چند دلیل دارای مزیت است:

- (۱) براساس نظریه نوکلاسیک تدافعی، انتخاب راهبرد بازدارندگی، ارتباط مستقیمی با موازنه دفاع - تهاجم دارد. برای ج.ا.ایران عناصر موجود در معادله دفاع - تهاجم، تشویق‌کننده دفاع است؛
- (۲) محیط خارجی ایران ناآرام و شکننده بوده و افزایش سطح تنش در این محیط، مطلوب ایران نیست؛

(۳) ساخت جغرافیایی و نقشه ژئوپلیتیکی ایران از جمله ترکیب کوه‌ها، کویرها و جنگل‌ها، به گونه‌ای است که ایران را دفاع‌پذیر نموده و به همین سبب با هزینه بسیار کمتر از تهاجم می‌تواند محیط امنیتی خود را به شکل مطلوب حفظ کند.

(۴) ساخت نیروهای مسلح ج.ا.ایران به گونه‌ای است که بیشتر، ویژگی دفاعی دارد. برای نمونه، ساختار نیروهای بسیج چنین تمایلی را در راهبرد ایران سبب خواهد شد. این راهبرد در زمره مهم‌ترین راهبردهای دفاعی کشورهای محسوب می‌شود که در معرض تهاجم یا تجاوز دشمن بالقوه قرار دارند. این سیاست از دو بُعد دفاعی و تبلیغی تشکیل شده است. در بُعد دفاعی، کشور در معرض هجوم، می‌کوشد با افزایش منابع داخلی قدرت و بسیج عده (نیروهای نظامی و مردمی) و عده (تسلیحات و جنگ‌افزار)، برتری قدرت بسیج‌یافته و در دسترس خود را بر توان نظامی بالقوه دشمن نشان دهد، و با به رخ کشاندن نیروی مقاومت، قابلیت آماده‌سازی نظامی از طریق بسیج دفاعی و تشکل نیروهای غیرنظامی، در اراده تجاوزگری دشمن تزلزل ایجاد کند و او را از اقدام به هجوم یا تجاوز احتمالی بر حذر دارد. در بُعد تبلیغی، این راهبرد، اعلامی یا تبیینی بر آن است که به دشمن بالقوه تفهیم کند که هزینه و بهای اقدام به جنگ بیش از منافع متصور آن است و او را متقاعد سازد که با توجه به اینکه با بسیج مردمی روبه‌رو خواهد شد که از انگیزه دفاعی برخوردارند، ضربه‌ها و لطمه‌های سهمگین و سنگینی را متحمل خواهد گردید (کیوان‌حسینی، ۱۳۸۵: ۷-۸). به این ترتیب، قدرت پیشگیری و بازدارندگی پیش از تجاوز و توان مقاومت پس از اشغال به رخ دشمن کشیده می‌شود و اقدام تجاوزکارانه او خنثی می‌گردد.

نظام بازدارندگی شبکه‌ای یا بازدارندگی مقاومت، دومین نظام کاربردی راهبردی مطلوب محسوب می‌شود. این نظام بازدارندگی مقاومت یا شبکه‌ای، مطلوب‌ترین چشم‌انداز را برای ج.ا.ایران در مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای فراهم می‌آورد. جایگاه ایران در نقشه ژئوپلیتیک منطقه و سامانه شبکه‌ای آن، مزیت خاصی به این کشور در

به کارگیری این نظام می‌بخشد. قرار گرفتن بین سه منطقه ژئوپلیتیک مهم خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و جنوب غربی آسیا، مزیتی است که کشورهای محدودی از آن برخوردارند، اما آنچه در راهبرد ایران مهم تلقی می‌گردد، پیوند این سه حلقه با یکدیگر است.

بازدارندگی غیرمستقیم یا مستقل، سومین نظام دفاعی است. یکی از روش‌های منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر (آمریکا)، بهره‌گیری از نظام بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه است. با توجه به عدم تقارن راهبردی آمریکا و ایران، نظام‌های بازدارندگی مستقیم و دوجانبه یا متقابل می‌تواند خطر ساز باشد. به همین دلیل از آنجا که هدف بازدارندگی آمریکا، حفظ متحدان منطقه‌ای ارزشمند و راهبردی است، بازدارندگی منطقه‌ای غیرمستقیم می‌تواند در برابر هدف‌گیری آنها نسبت به خنثی‌سازی تهدیدهای احتمالی مؤثر باشد، ضمن اینکه چنین کشورهایی را نیز در وارد شدن به تعارض‌های احتمالی قدرت مداخله‌گر با ایران به اندیشه وادار کند. در مورد ایران، نظام یک‌جانبه بازدارندگی منطقه‌ای آمریکا تا حدودی متفاوت خواهد بود و محور اساسی این تفاوت نیز به تفاوت بین معادله دفاع - تهاجم بین این دو کشور مربوط است. مذاکره مبتنی بر تهدید منجر به شکست بازدارندگی گسترده آمریکا در امور منطقه‌ای می‌شود. به همین سبب آمریکا به دنبال دیپلماسی اجبار ساز در امور منطقه‌ای است، اما ایران از بُعد منطقه‌ای در حد واسط مناطق ژئوپلیتیک خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز، جنوب غربی آسیا و اروپا قرار گرفته است. به این ترتیب جغرافیای منطقه‌ای ایران به شدت بر معادله دفاع - تهاجم و از آن طریق بر راهبرد تسلیحاتی و امنیتی این کشور اثرگذار است. به عبارتی از یک سو فشارهای ساختاری منطقه‌ای، بُعد تهاجمی راهبرد ایران را پُر هزینه کرده، و از سوی دیگر، ایفای نقش به منزله حلقه ارتباطی نقاط مختلف، بُعد دفاعی بازدارندگی ایران را از طریق افزایش توان شبکه‌سازی تقویت می‌کند (قاسمی و کشاورز شکر، ۱۳۸۸: ۱۸۳). ایران در حال حاضر با بهره‌گیری از مسیر شمال جنوب و خط لوله گاز، افزایش سطح

همکاری‌ها با ترکیه، به‌منزله حلقه پیوندی، را دنبال می‌کند و باید در آینده، راهبردهای دیگری نیز از جمله پیوستن به برخی از رژیم‌های منطقه‌ای در حال تکامل، مانند شانگهای، یا ایجاد رژیم‌های جدید منطقه‌ای و تقویت رژیم‌های موجود گام بر دارد. بر این اساس، نظام بازدارندگی شبکه‌ای و مقاومت در حوزه راهبردی ایران می‌تواند از سه مزیت اساسی برخوردار باشد:

- (۱) از نقش منفی برخی از مناطق مانند خلیج فارس در شکل‌دهی محیط امنیتی ایران خواهد کاست یا حداقل از شدت آن می‌کاهد؛
- (۲) با پیوند حلقه‌های یادشده، ضمن افزایش توان چانه‌زنی ایران از توان و قدرت تحرک قدرت‌های مداخله‌گر از جمله آمریکا می‌کاهد؛
- (۳) در مواقع ضروری از توان بازدارندگی شبکه‌ای و مقاومت در برابر دشمن استفاده می‌شود.

از این‌رو، بنابر شاخص‌هایی از جمله، معادله تهاجم - دفاع، ویژگی دفاعی ساخت نیروهای مسلح و بسیج مردمی، ساخت جغرافیایی و نقشه ژئوپلیتیک ایران، حلقه ارتباطی و سامانه‌ای شبکه‌ای بین سه منطقه خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و آسیای جنوب غربی، مطلوب‌ترین سازوکار جهت تحقق بخشی بازدارندگی در راهبرد تسلیحاتی - امنیتی ج.ا. ایران در مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ترکیبی از بازدارندگی متعارف دفاعی - خوداتکایی و بازدارندگی شبکه‌ای و مقاومت است.

این الگوی دفاعی ترکیبی باید بتواند ضریب بازدارندگی و ضریب امنیتی کشور را ارتقا و بهبود بخشد. به این منظور، این الگو باید اعتمادآفرین باشد، اعتماد رکن اصلی خلق یک محیط امنیتی مطلوب است. اعتماد، تنش‌زدایی را جایگزین تنش‌زایی، تعامل را جایگزین تقابل و همکاری را جایگزین رقابت می‌نماید. چنین محیطی نیز بسترساز بالندگی، توسعه و امنیت جمعی خواهد بود (آقاجانی و عسگری، ۱۳۸۹: ۲۵). از این‌رو، ج.ا. ایران با ابتنا بر جایگاه بسیج مردمی در راهبرد دفاع همه‌جانبه، و از منظر نظریه

واقع‌گرایی نوکلاسیک در معادله قدرت و امنیت تدافعی - تهاجمی بر بُعد تدافعی، و در معادله تعامل - تقابل بر بُعد تعامل برتر و همکاری تأکید داشته و آنها را سرلوحه راهبرد تسلیحاتی - امنیتی خود در جهت مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای قرار داده است.

نتیجه‌گیری

تهدیدهای منطقه‌ای، نه تنها انعکاس فرایندهای بحران‌ساز در حوزه‌های محیط پیرامون و فرایرامون ج.ا.ایران بوده، بلکه می‌توان آن را در قالب نشانه‌هایی از دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی در منطقه نیز مورد ملاحظه قرار داد.

اگر ج.ا.ایران نوعی موازنه در حوزه منطقه‌ای به موازات تعامل‌گرایی فرامنطقه‌ای ایجاد کند، در آن شرایط بسیاری از مخاطره‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای ایران در حوزه‌های منطقه‌ای کاهش می‌یابد. این اقدام، مستلزم آن است که ایران متناسب با تهدیدها، برخوردها و محیط امنیتی پیرامونش، راهبرد تسلیحاتی و امنیتی خود را در جهت اقدام‌های بازدارنده و تدافعی تدوین و به مرحله اجرا در بیاورد. از سویی ج.ا.ایران در تلاش است تا خود را درگیر مسابقه تسلیحاتی خاورمیانه ننماید؛ زیرا آشکار است که انباشت جنگ‌افزارهای پیشرفته که به قیمت‌های کلان از آمریکا، روسیه و سایر صادرکنندگان عمده در جهان از سوی همسایگان ایران در خلیج فارس خریداری شده است، هیچ پیامد مثبتی برای رفاه مردم منطقه ندارد، همچنان که اعتراض‌ها و خیزش جنبش‌های مردمی اخیر در کشورهای عرب پیرامون ایران، پیامد سیاست‌های نظامی‌گری با حمایت کشورهای فرامنطقه‌ای، بی‌توجهی به رفاه، هدف‌ها و علائق مردم است.

باید یادآور شد تا زمانی که ثبات نسبی و امنیت به افغانستان، عراق و پیرامون ایران بازنگردد، نیروهای خارجی در منطقه به مداخله نظامی و اتحاد فراگیر امنیتی علیه ایران ادامه دهند و اعضای شورای همکاری خلیج فارس با ایران همکاری دفاعی نداشته

باشند، دولت جمهوری اسلامی ایران با تأکید بیشتر بر راه‌های غیرنظامی و با تأکید بر رویکرد تدافعی - تعاملی و قدرت نرم و بسیج مردمی در راهبرد امنیتی خود، می‌تواند به هدف‌های از پیش تعیین شده خود برسد.

اساس رهنامه و راهبرد ترکیبی بازدارندگی شبکه‌ای و مبتنی بر توانمندی متعارف دفاعی، بر گذار از «بازدارندگی مبتنی بر توان پنهان یا ارباب محض» استوار است؛ زیرا الگوی راهبردی ج.ا.ایران در صدد بالا بردن سطح بازدارندگی، بهبود ضریب امنیتی کشور و خلق یک محیط امنیتی مطلوب و سازنده است. چنین محیطی، بسترساز بالندگی و توسعه و رفاه بیشتر مردم کشور در سطح داخل بوده و باعث ترویج و نهادینه ساختن الگو و رژیم امنیت جمعی در سطح محیط پیرامونی و فرایرمامونی خود خواهد بود.

این همان دیپلماسی دفاعی - راهبردی یعنی بهره‌گیری از توان دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی برای پیشبرد هدف‌های نظامی یا حداکثر بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های نظامی در جهت مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای است. از این رو، راهبرد تسلیحاتی و امنیتی ایران بر راهبرد تدافعی، موازنه‌گرایی و تعامل مبتنی بر اعتماد، تنش‌زدایی و همکاری تأکید دارد. بنابراین رویکرد و گفت‌وگو حاکم بر راهبرد تسلیحاتی - امنیتی ج.ا. ایران در جهت مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای و خنثی‌سازی آنها، رویکرد ترکیبی تعاملی - تدافعی همه‌جانبه می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. آقاجانی، احمد و محمود عسگری (زمستان ۱۳۸۹)، الزام‌های نظری طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در حوزه دفاعی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره ۳۱.
۲. ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۸۵)، *الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. ایزدی، پیروز (۱۳۸۰)، *انتخاب‌های تسلیحاتی ایران: مسایل و تحلیل‌ها*، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، معاونت پژوهش.
۴. برزگر، کیهان (۱۳۸۶)، سیاست خاورمیانه آمریکا و نظریه ظهور نقش منطقه‌ای ایران، به نقل از: افسانه احدی (گردآورنده)، *ایران و آمریکا: تعامل در عرصه عراق*، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی سیاست خارجی.
۵. بیلیس، جان، و دیگران (۱۳۸۳)، *راهبرد در جهان معاصر: مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک*، ترجمه کابک خبیری، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۶. جعفری، علی‌اکبر (پاییز ۱۳۸۸)، اتحاد آمریکا - اسرائیل و مبارزه با سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.
۷. جلالی، علی‌احمد (بهار ۱۳۸۲)، همکاری‌های همه‌جانبه ایران و روسیه، ترجمه علی‌اصغر جمالی، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۱.
۸. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و مرضیه سادات الوند (بهار ۱۳۸۷)، ایران و سازمان همکاری‌های شانگهای: هژمونی و ضد هژمونی، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال سوم، شماره دوم.
۹. رشاد، افسانه (پاییز ۱۳۸۸)، آماد و پشتیبانی در عصر جداسازی حوزه‌های ژئوپلیتیکی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هفتم، شماره ۲۶.
۱۰. ساعد، نادر (آبان ۱۳۸۵)، پیشرفت‌های اخیر فناوری موشکی و دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران: فرصت‌ها و موانع محیط بین‌الملل، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، سال چهارم.
۱۱. ساعد، نادر (بهار و تابستان ۱۳۸۴)، تأملی بر اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات در آیینة تحولات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، *مجله حقوقی*، شماره ۳۲.
۱۲. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، *نظریه‌های امنیت*، (جلد اول)، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۱۳. عسگرخانی، ابومحمد (زمستان ۱۳۷۷)، سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، *مجله سیاست دفاعی*، شماره ۲۵.
۱۴. قاسمی، فرهاد و عباس کشاورز شکری، (زمستان ۱۳۸۸)، نگرشی به سیستم بازدارندگی منطقه‌ای در روابط بین‌الملل: مطالعه موردی ایران و آمریکا، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۰.
۱۵. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۹)، *سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست*، تهران، سمت.
۱۶. کوردزمن، آنتونی (۱۳۸۲)، *موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه*، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران، سایه روشن.
۱۷. کیوان حسینی، سیداصغر (بهار ۱۳۸۵)، جایگاه بسیج در رویکرد امام (ره) نسبت به راهبرد دفاع همه‌جانبه، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال نهم، شماره ۳۰.
۱۸. کرمی، جهانگیر (بهار ۱۳۸۰)، تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها، *سیاست دفاعی*، سال نهم، شماره ۳۳.
۱۹. گری، کالین (۱۳۷۸)، *سلاح جنگ/افروز نیست*، ترجمه احمد علیخانی، تهران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۰. لطفیان، سعیده (بهار ۱۳۸۶)، چالش‌های جدید امنیتی خلیج فارس: بررسی منافع مثلث ایران، آمریکا، شورای همکاری خلیج فارس، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال سیزدهم، شماره پیاپی ۴۹.
۲۱. متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، ایران در راهبرد و سیاست خارجی اوباما، *نامه دفاع*، نشریه مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره پیاپی ۲۵.
۲۲. رستمی، علی‌اکبر (تدوین) (۱۳۸۲)، *نقش غرب در رقابت تسلیحاتی منطقه خلیج فارس (با تأکید بر آمریکا)*، تهران، سایه روشن.
۲۳. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سمت.
۲۴. هینبوش، ریموند و انوشیروان احتشامی (۱۳۸۲)، *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه علی گل محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲. منابع انگلیسی

1. Art, Robert (2009), *American Grand Strategy and World Politics*, New York, Routledge.
2. Bahrain Facilities, available at: www.globalsecurity.org/military/facility/Manama.html
3. Cordesman, Anthony (2010), *The Gulf Military Balance in 2010*, Center for Strategic and International Studies, available at www.csis.org.
4. Fifth Fleet, available at www.globalsecurity.org/military/agency/navy/C5F/html
5. *Fiscal Year 2012 Budget Request*, United States Department of Defence, <http://comptroller.defence.gov>.
6. Glaser, Charls (1994), Realist as Optimist: Cooperation as Self-help, *International Security*, vol 19. No 3.
7. SIPRI Year Book (2009), *Armaments, Disarmament and International Security*, Oxford, Oxford University Press, available at www.sipri.org
8. *U.S. Military Spending, Fiscal Year 1998-2008*, Center for Defence Information, available at www.cdi.org.
9. Walt, Stephen (2002), The Enduring Relevance of The Realist Tradition, *Political Science*.
10. Weitz, Richard (2011), The U.S. Military & Bahrain, available at www.sldinfo.com.
11. www.un.org/Docs/sc.